

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	پیشگفتار
۷	فصل اول: تعریف محیط زیست طبیعی و برداشت‌های مختلف از آن
۷	مقدمه
۸	تعریف مفاهیم
۱۲	تعریف ساختاری-کارکردی محیط
۲۷	بار اجتماعی مفهوم محیط
۳۵	فرهنگ و رابطه انسان و محیط
۴۰	مفهوم فرهنگ گرایی
۴۱	نسبت فرهنگ و طبیعت
۴۲	جزء‌نگری در نسبت فرهنگ و طبیعت
۴۶	کل‌نگری در نسبت فرهنگ و طبیعت
۵۶	نتیجه‌گیری
۵۹	فصل دوم: نظام طبیعت و جایگاه آن از منظر ادیان
۵۹	مقدمه
۶۰	نگرش دینی، اخلاقی و مادی به طبیعت
۶۸	نظام طبیعت از منظر ادیان
۶۹	نظام طبیعت در آیین‌های ابتدایی
۷۲	ادیان هندوایرانی و ادیان اروپایی
۷۴	دین زرتشت و نظام طبیعت
۷۸	نظام طبیعت و جایگاه محیط زیست در ادیان ابراهیمی
۸۴	فقه اسلامی - شریعت: اهداف و ساختار
۹۴	نتیجه‌گیری
۹۶	فصل سوم: نظام طبیعت از منظر فلاسفه
۹۶	مقدمه

صفحه	عنوان
۹۷	طبیعت از دیدگاه فلاسفه یونان قدیم
۱۰۰	نظر متفکران اسلامی درباره طبیعت
۱۱۲	نظام طبیعت در فلسفه جدید غرب از رنسانس تا به امروز
۱۲۰	نتیجه گیری
۱۲۲	<b>فصل چهارم: دیدگاه‌های نوین درباره محیط زیست</b>
۱۲۲	مقدمه
۱۲۳	جایگاه محیط زیست در دیدگاه‌های جامعه‌شناختی
۱۲۴	شکست جبرگرایی جغرافیایی و زیست‌شناختی
۱۲۷	دیدگاه جامعه‌شناسان درباره محیط در مسئله توسعه و پیشرفت
۱۴۵	نگرش زیست زمین فیزیک به حیات یا تائوی فیزیک
۱۴۵	فرضیه مادرزمین یا فرضیه گایا
۱۴۸	نتیجه گیری
۱۵۰	<b>فصل پنجم: فلسفه اخلاق زیست‌بوم‌محور</b>
۱۵۰	مقدمه
۱۵۱	تعریف اخلاق زیست‌محیطی
۱۵۴	مبانی نظریه‌های اخلاق زیست‌محیطی
۱۵۸	ارزش ذاتی در اخلاق زیست‌محیطی
۱۶۵	رهیافت‌های رایج اخلاق زیست‌محیطی
۱۷۲	اخلاق زیست‌محیطی اسلامی
۱۷۶	نتیجه گیری
۱۷۸	<b>فصل ششم: اصول کلی سیستم‌های اجتماعی اکولوژیک</b>
۱۷۸	مقدمه
۱۷۸	ویژگی‌های اکوسیستم‌های طبیعی
۱۸۴	عناصر تعادل در رابطه انسان و طبیعت
۱۸۵	عنصر اول: اصل بستر آبی
۱۸۷	عنصر دوم: درک و پذیرش اصول بیوفیزیکی گریزناپذیر طبیعت
۱۹۲	عنصر سوم: درک و پذیرش اینکه ما نمی‌توانیم طبیعت را مدیریت کنیم
۱۹۵	عنصر چهارم: درک و پذیرش اینکه با ایجاد تغییر، اکوسیستم‌های شکننده‌تر ایجاد می‌شود
۱۹۹	مقایسه سیستم ساده و نارس با سیستم پیچیده و رسیده
۲۰۱	پنجمین عنصر: درک و پذیرش اینکه ما باید در سیستم‌های زنده مجدداً سرمایه‌گذاری کنیم، ...

صفحه	عنوان
۲۰۳	عنصر ششم: درك و پذيرش اينكه تنها يك ديدگاه سيستمي يك جهان بيني پايدار است
۲۰۷	عنصر هفتم: پذيرش ناداني و اعتماد به شهود، ضمن شك به دانسته هايمان
۲۰۹	عنصر هشتم: مشخص كردن اينكه چه چيزي بايد پايدار باشد
۲۱۰	عنصر نهم: درك و پذيرش اينكه پايداري يك فرايند مستمر است نه يك نقطه پايان ثابت
۲۱۲	عنصر دهم: عدالت بين نسلي و حق نسل آينده
۲۱۲	عنصر يازدهم: درك، پذيرش و توجه كردن به محدوديت هاي بيوفيزيكي در مورد ...
۲۱۴	نتيجه گيري
<b>فصل هفتم: فرهنگ زيست بوم ايراني</b>	
۲۱۶	مقدمه
۲۱۶	زمين زنده در زيست بوم ايراني
۲۱۹	مكان هاي پرانرژي و مقدس
۲۲۴	ديدگاه هاي ايرانيان نسبت به تقدس عناصر طبيعي
۲۲۴	اهميت آب به عنوان عنصر مقدس
۲۲۵	گياهان به عنوان عناصر مقدس
۲۲۸	فرهنگ آب در ايران
۲۳۲	جاگه معنوي آب در فرهنگ زيست بوم ايران
۲۳۶	وجه معنوي آب در فرهنگ ايراني
۲۴۱	فرهنگ آب در فضاي معماري و باغ ايراني
۲۴۳	انواع حضور آب در فضا
۲۴۴	جاگه آب و خاک در نظام اخلاقي- ديني ايرانيان: زرتشت و اسلام
۲۴۵	فرهنگ قنات و نظام هاي وابسته به آن
۲۶۴	روند دگرگوني زيست بوم فرهنگي، جامعه مدرن و بازانديشي در آن
۲۶۶	نگرش بستر محور به فناوري
۲۶۸	پاراداييم هاي مديريت آب و زمين
۲۶۹	پاراداييم سنت، پيشامدرن فرهنگ آب
۲۷۱	پاراداييم مدرنيته صنعتي: پايان عصر قنات
۲۷۳	تغيير ساختاري در فرهنگ زيست بوم
۲۸۱	نتيجه گيري
<b>فصل هشتم: ميراث جهاني فرهنگ زيست بوم ايراني</b>	
۲۸۴	مقدمه
۲۸۴	باغ ايراني

صفحه	عنوان
۲۹۷	باغ‌های زیرزمینی میراث ارزشمند فرهنگ زیست‌بوم
۳۰۳	کشت سمبک، کشاورزی سازگار با کویر
۳۰۶	آسیاب‌های بادی (آسباد)
۳۰۹	آسیاب‌های بادی، روستای نشتیفان، خراسان رضوی و سیستان
۳۱۰	نظام سنتی لای‌روبی جوی‌ها و شبکه آبیاری سیستان
۳۱۹	نتیجه‌گیری
۳۲۲	<b>فصل نهم: نگرش به فرهنگ محیط زیست و راهکارهای بازآفرینی فرهنگ زیست‌بومی ایران</b>
۳۲۲	مقدمه
۳۲۶	تحلیل و کدگذاری قیاسی (مبتنی بر نظریه) مصاحبه‌ها
۳۲۶	تعریف فرهنگ زیست‌بوم گرایانه به مثابه علمی بین‌رشته‌ای
۳۲۹	رویکردهای مختلف به تعریف فرهنگ زیست‌بوم گرا
۳۳۲	تعریف فرهنگ زیست‌بوم به مثابه فرهنگی- زیست‌محیطی
۳۳۵	تعریف فرهنگ زیست‌بوم به مثابه فرهنگ زیست‌محیطی (اکوکالچر)
۳۳۸	تعامل فرهنگ و محیط زیست در تاریخ ایران
۳۴۳	نقش و مسئولیت دولت و ملت در برابر حفاظت از محیط زیست
۳۴۴	رویکرد جامعه‌محور در مسئولیت‌پذیری زیست‌محیطی
۳۴۷	رویکرد دولت‌محور در مسئولیت‌پذیری زیست‌محیطی
۳۵۰	جایگاه دولت در بازساخت محیط و فرهنگ زیست‌بوم
۳۵۸	نقش حکمرانی خوب بر محیط زیست
۳۶۱	راهکارهای بهبود فرهنگ زیست‌بوم
۳۶۱	دین، اخلاق و ارزش‌های زیست‌بوم گرایانه
۳۶۴	دانش و آگاهی زیست‌محیطی
۳۶۹	<b>فهرست منابع و مآخذ</b>

## پیشگفتار

هر چند محیط بخشی از تجربه زیسته انسان بر روی زمین است و فرهنگ بشر بازتاب رابطه انسان با محیط، اما درک روند دگرگونی رابطه انسان و محیط در بستر زمان و مکان، به ویژه در جهان کنونی، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این اهمیت از آن جهت است که جایگاه محیط در کیفیت زیست کنونی جامعه و تعیین وضعیت آینده زیست بشر، بیش از پیش آشکار شده است. بروز بحران‌های جدی زیست محیطی، زندگی بشر بر روی کره خاکی را با خطر جدی روبه‌رو ساخته است و امکان ناپذیری تداوم الگوی کنونی زیست را یادآور می‌شود. چنان‌که به قول جیمز لاولاک<sup>1</sup> تغییرات اقلیمی ممکن است همه مردم را از روی کره زمین محو سازد. این مسئله، بشر امروزی را به فکر بازنگری در درک خود از محیط زیست طبیعی واداشته و به فکر شناخت دقیق‌تر یا درک واقعی‌تر از محیط برای یافتن الگویی پایدار از رابطه انسان با محیط زیست طبیعی انداخته است.

درک جدید از محیط زیست و قابلیت‌ها و محدودیت‌های آن به نحوی که بتواند حیات بشر بر روی کره زمین را در درازمدت حمایت کند، نیازمند بررسی روند تاریخی دگرگونی در جایگاه طبیعت و نگرش به محیط زیست در اجتماعات انسانی است. انسان در طول تاریخ همواره با محیط زیست خود در ارتباط دوسویه بوده و در هر دوره از راهکارهایی جهت بهره بردن از آن استفاده کرده است؛ اما بهره‌برداری انسان مدرن نه به سان انسان‌های قبل از این دوره، حالتی دیگرگونه دارد. پیشرفت‌های تکنولوژیک انسان، منجر به سیطره وی بر طبیعت و محیط زیستی گردید که انسان‌های دوره‌های پیش از عصر جدید با آن می‌زیستند. در حقیقت، تغییر نگرش از دیدگاه زیست‌باورانه اساطیری به دیدگاه مشاهده‌گرانه علمی، تغییری عظیم بود که طبیعت را نه جزئی از انسان و زندگی وی، که بخشی از جهانی می‌دانست که باید مشاهده و به آزمایش در می‌آمد و برآورنده نیازهای انسان مدرن می‌شد. بدین سان در دوره معاصر، بهره‌برداری سودمدارانه و استثمارگرانه انسان از طبیعت، منجر به تخریب آن و بروز بحران محیط زیست گردید؛ روندی که در درازمدت هم زندگی انسان‌ها و هم سایر موجودات زنده را با خطر جدی روبه‌رو خواهد ساخت. لذا باید انسان به نتیجه عملکرد خود با

---

1. James Lovelock

طبیعت آگاه باشد و لازم است که در نگرش و روش خود در ارتباط با طبیعت بازنگری جدی صورت دهد.

بخشی مهم از فرهنگ هر زیست‌بوم، بازتاب تعامل جامعه محلی با طبیعت و محیط زیست پیرامون خود می‌باشد که در درازمدت به بخشی از فرهنگ آن جامعه تبدیل شده است. شناخت بستر و پیشینه فرهنگ محیطی می‌تواند زمینه را برای هدایت فرهنگ به سوی پیوند مناسب‌تر با محیط زیست طبیعی رهنمون سازد. بازشناسی و بازآفرینی فرهنگ محیطی در واقع شامل نگهداری و حفظ آینده، به مثابه شناسه‌ای از زندگی بالقوه گذشته و حاصل انتقال از گذشته به آینده است، آن هم به صورتی که اهمیت گذشته در این انتقال حفظ شود.

بررسی تجربه زیسته جامعه ایرانی در بستر محیط جغرافیایی و جایگاه طبیعت در فرهنگ زیست‌بوم، موضوع مهمی در بازگشت به هماهنگی بین انسان و طبیعت در جامعه امروزی است. چگونه ایرانیان توانسته‌اند با محیط طبیعی خود به یک سازگاری و هارمونی دست پیدا کنند؛ هماهنگی‌ای که نتیجه آن رابطه متعادل بین انسان و محیط طبیعی بوده است؟ جامعه ایرانی چگونه توانسته است در یک محیط جغرافیایی خشن و با محدودیت‌های طبیعی زیاد فرهنگ و تمدنی مانا بر پا دارد؟ مردم ایران چگونه محدودیت‌های زیست‌محیطی را برطرف ساخته و حتی آن را به فرصت تبدیل کرده‌اند؟ آیا تجربه زیسته و دانش بومی جامعه ایرانی می‌تواند در جامعه امروز ایران کاربرد داشته باشد؟ دانش بومی و فرهنگ زیست‌بوم جامعه، در زمینه‌هایی که امروز در حال تبدیل شدن به بحران‌های بزرگی هستند، همچون مسئله آب، مسئله زمین، منابع طبیعی، آب‌وهوا و سکونتگاه‌های شهری و روستایی چه بوده است؟ چگونه می‌توان دانش بومی و فرهنگ زیست‌بوم را که نمود همزیستی و سازگاری انسان و محیط است شناسایی، باززنده‌سازی و متناسب با نیازهای روز جامعه ترویج کرد؟ چه بخش‌هایی از تجربه زیسته و فرهنگ زیست‌بوم جامعه ایرانی می‌تواند در شرایط کنونی جنبه کاربردی پیدا کند؟ چه چیزی مناسب‌ترین مسیر و گذرگاه برای حفظ آنچه پیش‌تر وجود داشته و رفتن به آینده است؟

• به نظر می‌رسد تغییر در سبک و الگوی زندگی که همراه با تغییر بنیادی در جایگاه محیط زیست طبیعی و رابطه انسان و محیط بوده است، سرمنشأ بسیاری از بحران‌های کنونی جامعه بشری است.

• به نظر می‌رسد تغییر در سبک زندگی و الگوی مصرف جامعه، بدون توجه به محدودیت‌های اکولوژیک و ظرفیت زیستی پهنه سرزمین و تحت تأثیر فرهنگ و سبک

زندگی غیر بومی، عامل اصلی ناهماهنگی و عدم تعادل در اکوسیستم طبیعی و انسانی جامعه ایرانی شده است.

• به نظر می‌رسد که بخشی از تجربه زیسته و دانش بومی جامعه و فرهنگ ایرانی در شرایط کنونی می‌تواند کاربرد داشته باشد.

در این نوشتار، تجربه زیسته جامعه انسانی در ارتباط با طبیعت یا دستاوردهای مادی و معنوی انباشته شده در تعامل انسان با طبیعت، تحت عنوان فرهنگ محیطی یا فرهنگ زیست‌بوم به کار گرفته شده است. چون این رابطه در بستر فرهنگ سرزمینی ایران مورد نظر بوده است، از فرهنگ زیست‌بوم ایرانی استفاده شده است که هر چه نوشتار پیش‌تر رفته است بیشتر جایگزین فرهنگ محیطی شده است. واژه محیط زیست که امروزه کاربرد گسترده‌ای دارد، واژه جدیدی است که در دهه‌های اخیر به جای واژه طبیعت نشسته و نشان‌دهنده تغییر الگوواره (پارادایمی) این مفهوم است. ترجیح ما استفاده از واژه طبیعت است که بیانگر دیدگاه ما به موضوع است، ولی در سرتاسر نوشتار واژه‌های محیط، محیط زیست و طبیعت معادل هم و به جای هم استفاده شده است.

در این پژوهش در راستای رسیدن به هدف و پاسخ به سؤال‌های مطرح شده، در ابتدا با اتکا به منابع کتابخانه‌ای و اسنادی و تحلیل محتوای این متون که از متون تاریخی تا مذهبی، علمی، پژوهشی و موردی را شامل می‌شود، یک بررسی تاریخی از فرهنگ زیست‌بوم صورت گرفته است. این بررسی در چهارچوب روند تاریخی هم شامل نظام اندیشه‌ای، هم ارزشی و اعتقادی و هم فرهنگ و تجربه زیسته جامعه محلی در پهنه سرزمین فرهنگی ایران می‌شود. بخش مهمی از سؤالات ما در زمینه ماهیت محیط و رابطه بین فرهنگ و محیط زیست طبیعی، جوهره فرهنگ زیست‌بوم ایرانی، تجربه زیسته، دانش بومی و تجربه جامعه ایرانی در سازگاری و هماهنگی با طبیعت در این بررسی و تحلیل محتوای اسنادی پاسخ داده شده است. بررسی برخی از مصادیق دانش و تجربه اندوخته ایرانیان در طول هزاران سال، همچون فرهنگ آب و قنات، معماری، باغ ایرانی، نظام و میراث کشاورزی خود نمونه‌هایی درخشان از این سازگاری هوشمندانه و هم‌افزا با طبیعت و پاسخ عینی به پرسش‌های مطرح شده است.

بدیهی است که با تغییر در بستر فرهنگی جامعه و گسست از ریشه‌های فرهنگ خودی، بسیاری از این سرمایه‌های فرهنگ زیست‌بوم به حاشیه رانده شده، از بین رفته و یا در حال از بین رفتن هستند. اما حتی در جامعه دگرگون‌شده امروزی بخشی از این میراث فرهنگی قابل استفاده و بازآفرینی است و روندها نشان می‌دهد که بازگشت به شرایط زیست‌بوم و توسعه

درون‌زا روندی گریزناپذیر است. در بخش دیگر پژوهش با اتکا به تحقیق کیفی از طریق مصاحبه با صاحب‌نظران، اندیشمندان و کارشناسان این حوزه، سعی شده است تا وضعیت کنونی فرهنگ زیست‌محیطی جامعه ایرانی که به دلیل غیر بومی بودن، سازگاری مناسبی با شرایط زیست‌بوم را نداشته و بحران‌آفرین است مورد گفتگو و تحلیل قرار گیرد. راهکارهای مناسب برای بازآفرینی فرهنگ زیست‌بوم ایرانی با توجه به پیشینه فرهنگی و شرایط موجود برای ایجاد جامعه‌ای اکولوژیک مورد بررسی قرار گیرد. در این چهارچوب، مطالب این نوشتار در نه فصل تنظیم شده است که البته با توجه به ماهیت کلی موضوع تحقیق در هر فصل قابلیت گسترش و ادامه را دارد.

در فصل اول تعریف مفاهیم اصلی این تحقیق از جمله محیط زیست با چرخش به سمت مفهوم طبیعت، جایگاه و ارزش آن، با توجه به نگرش و هدف این تحقیق، قرائت‌های مختلف از طبیعت در فرهنگ زیست‌بوم ایرانی از منظر اندیشه‌ای تاریخی و ارزشی، دینی و مفهوم فرهنگ و نسبت آن با طبیعت با اتکا به فرهنگ زیست‌بوم ایرانی مورد بحث قرار گرفته است.

در فصل دوم جایگاه طبیعت از منظر ادیان مختلف بررسی شده که هدف، بیان نگرش دینی و ارزشی به طبیعت به عنوان بخشی مهم از فرهنگ است. بررسی نگرش ادیان مختلف از ادیان اولیه تا متأخر، حکایت از نگاه مشترک به جایگاه و ارزش طبیعت دارد، که این نگرش برخورد مسئولانه و همراه با احترام انسان با طبیعت را به همراه دارد. نتیجه این فصل ما را به این نقطه می‌رساند که بازآفرینی فرهنگ سازگار با طبیعت نیازمند تعریف چهارچوب‌های ارزشی در ارتباط با طبیعت و بازگشت به آن است.

در فصل سوم نظام‌های فلسفی و جایگاه طبیعت در دیدگاه‌های فلسفی مختلف، از فلسفه یونان باستان تا قرون وسطا، فلسفه ایرانی، اسلامی و نگرش‌های فلسفی عصر جدید تا دوره معاصر روایت شده و مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. هدف از پرداختن به نظام‌های فلسفی این بوده است که یادآوری کنیم، رابطه انسان و طبیعت در چهارچوب فلسفه زندگی و جهان‌بینی حاکم بر جامعه تعریف می‌شود و بازآفرینی در فرهنگ زیست‌بوم، نیازمند بازگشت به فلسفه بومی یا دیدگاه‌های فلسفی است که برای طبیعت ارزش قائل‌اند.

در فصل چهارم با مراجعه به دیدگاه‌های نوین جامعه‌شناختی به محیط زیست و طرح برخی از این دیدگاه‌ها سعی شده است تا نشان دهیم که بازنگری در نگرش انسان به طبیعت و به تبع آن اصلاح سبک زندگی و الگوهای تولید و مصرف، موضوعی علمی و بحث‌محافل اندیشه‌ای و نظری است. هدف بسیاری از این دیدگاه‌ها به نوعی بازگشت و بازآفرینی اندیشه



علمی و فلسفی پیش از دوره معاصر است و یادآوری می‌کنند که موضوع بازآفرینی فرهنگ زیست‌بوم نه حرکتی واپسگرا، که موضوعی علمی و پیشروانه است.

در فصل پنجم فلسفه اخلاق و تحول آن به سوی اخلاق زیست‌بوم محور بررسی شده است که نشان دهد که در فلسفه اخلاق نیز روند بازنگری و بازآفرینی در جایگاه طبیعت و لزوم بازنگری در آن مورد توجه قرار دارد.

در فصل ششم با طرح اصول کلی سیستم‌های اجتماعی و اکولوژیک، سعی شده است تا اصول گریزناپذیر حاکم بر سیستم‌های زیستی مورد بحث و بررسی قرار گیرد؛ قوانینی که جایگاه طبیعت را گوشزد می‌کند. در عین حال هدف از این فصل یادآوری این مسئله است که مفاهیمی همچون کلیت، هدفمندی، نظام‌مندی و غایت‌مندی جهان در فرهنگ زیست‌بوم، به زبان علمی روز مورد توجه و بازنمایی قرار گرفته است.

در فصل هفتم فرهنگ آب در زیست‌بوم فرهنگی ایران به عنوان تبلور سازگاری هوشمندانه انسان ایرانی با شرایط زیست‌بوم مطرح شده است. هدف از این فصل یادآوری بخشی از میراث و سرمایه فرهنگ زیست‌بوم ایرانی است که هم تجربه زیسته ایرانی در پیوند هم‌افزا با طبیعت و هم ضرورت حفظ این میراث و استفاده از آن در بازآفرینی فرهنگ زیست‌بوم پایدار در جامعه معاصر را نشان می‌دهد.

در فصل هشتم در راستای پاسخ به پرسش‌های مطرح شده، بخشی از میراث فرهنگ زیست‌بوم و تجربه زیسته جامعه ایرانی در تعامل با طبیعت و محیط جغرافیایی مطرح شده است. معرفی این میراث هم با هدف شناساندن بخشی از میراث زیست‌بوم و سرمایه معنوی فرهنگ زیست‌بوم ایرانی و هم نشان دادن راهکارهای عبور از بحران‌های زیست‌محیطی در جامعه معاصر به پشتوانه این سرمایه است.

در فصل نهم که نتیجه تحقیق کیفی و تحلیل محتوای مصاحبه با اندیشمندان، خبرگان و کارشناسان در این حوزه است، پاسخ به پرسش‌های مطرح شده با هدف بررسی دیدگاه‌ها در جامعه معاصر نسبت به طبیعت، آگاهی به ریشه‌های فرهنگی زیست‌بوم و راهکارهای حرکت به سوی جامعه زیست‌بوم محور و اجتماع اکولوژیک مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

اگرچه در سال‌های اخیر نوشته‌هایی به زبان فارسی و آن هم بیشتر به صورت مقاله با موضوع محیط زیست، دانش بومی، نظام‌های سنتی بهره‌برداری از منابع طبیعی و اخلاق زیست‌محیطی نشر یافته است اما این اثر سعی کرده است تا با نگاه کلی و یکپارچه به رابطه انسان و طبیعت در محدوده فرهنگی و تمدنی ایران بپردازد و تجربه زیسته ایرانیان در سازگاری

با طبیعت را به عنوان بخشی از سرمایه و میراث فرهنگی روایت کند. فلسفه پرداختن به این تحقیق و تألیف، نبود یک منبع جامع در زمینه فرهنگ زیست‌بوم ایرانی بوده است. هدف کاربردی این پژوهش، استفاده از میراث دانش بومی و تجربه زیسته پدرانمان برای ساختن ایرانی بهتر و جامعه‌ای پایدار برای نسل‌های آینده از طریق بازآفرینی فرهنگ زیست‌بوم و حرکت به سوی الگوی توسعه بومی و درون‌زا بوده است. این نوشتار می‌تواند مورد استفاده رشته‌های مختلف از جمله جغرافیا، جامعه‌شناسی محیط زیست، برنامه‌ریزی روستایی، شهری و منطقه‌ای، مردم‌شناسی و سایر رشته‌های مرتبط قرار گیرد و به طور مشخص در درس‌های برنامه‌ریزی محیطی و توسعه پایدار، شهر و طبیعت، توسعه پایدار و محیط زیست، اکولوژی انسانی و جغرافیای انسانی ایران مورد استفاده قرار گیرد.

هر کدام از مباحث مطرح شده در فصول نه‌گانه این نوشتار آغازی بر بحث در این حوزه‌هاست و نه پایان آن. کلیت موضوع و ماهیت بحث در هر فصل به گونه‌ای است که جای ادامه و بحث بیشتر وجود دارد. این تحقیق با توجه به محدودیت‌های زمانی و شرایط انجام تحقیق در بیشتر مباحث تنها به طرح مسئله پرداخته است. امید است که در آینده بتوان هر یک از مباحث را به صورت تحقیق مجزا ادامه داد و آن را تکمیل کرد. در پایان از کلیه کسانی که زمینه انجام این تحقیق را فراهم کرده‌اند، به ویژه پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی سازمان «سمت» و اعضای فرهیخته کمیته تخصصی، تقدیر و تشکر می‌نمایم. همچنین از تمامی کسانی که فرصت مصاحبه به ما دادند و با نظرات ارزشمند خود ما را در انجام تحقیق یاری دادند قدردانی می‌کنم. در نهایت از خانواده عزیز خودم که با صبر و بردباری شرایط را برای انجام و به پایان رساندن تحقیق در این زمانه بلاخیز شیوع کرونا فراهم ساختند، سپاسگزارم.

دکتر محمود جمعه‌پور

استاد برنامه‌ریزی اجتماعی، شهری و منطقه‌ای

دانشگاه علامه طباطبایی

غروب جمعه ۷ آذر ماه ۱۳۹۹

تهران